

طیبه سیاوشی گفت‌بیشتر افرادی که در اتفاقات اخیر درگیر شدند از طبقات فرودست بودند. صداوسیما توانسته صدای حاشیه‌نشین‌ها باشد.

اتاق فرمان صداوسیما در یک مرکز مشخص مستقر نیست!



یکسری سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده در سازمان صداوسیما و حتی خارج از آن هستند که دستور می‌دهند برنامه‌ها در چه راستایی باشند. قاعدتاً رئیس صداوسیما در بحث پخش برنامه‌ها و مواردی از این دست، به تنهایی تمامی نقش را برعهده ندارد. اگر رئیس صداوسیما، تنها شخص تصمیم‌گیر در این مورد بود با تغییر رئیس این سازمان بایستی شاهد تغییر رویه‌ها می‌بودیم که این اتفاق تاکنون به‌وضوح رخ نداده است لذا دستورالعمل‌های بعضاً نانوشته و فراقانونی و توصیه‌هایی وجود دارد که برخی مجموعه‌ها از دستگاه‌های مختلف آن را پیش می‌برند و با ارتباط با بخش‌های کلیدی سازمان صداوسیما، چنین دستوراتی را پیاده می‌کنند.

به گزارش اسپادانا خبر، طیبه سیاوشی، نماینده مردم تهران در مجلس در گفتگو با ایلنا گفته:

اخیراً برنامه‌ی بیست‌وسه‌ی، گزارشی را با این موضوع کار کرد که چرا اجازه نمی‌دهند اعتراضات و صحبت‌های انتقادی مردم از این رسانه پخش شود. گویی تنها زمانی که به مردم نیاز دارند، صدای آنها را (آن‌هم نه به صورت کامل که با تدوین‌های گزینش‌شده) از این رسانه می‌شنویم، فقط در همین باب گرانی بنزین است که البته آنهم با قصد بهره‌برداری از آن اتفاق می‌افتد. موضوعی که مورد نقد برخی از برنامه‌های خود این سازمان هم قرار گرفته و این مسئله نشان می‌دهد اتاق فرمان صداوسیما، در یک مرکز مشخص مستقر نیست. صداوسیما ضمن اینکه باید برنامه‌های مفرح و سرگرم‌کننده‌ای به دلیل عمومیت این رسانه داشته باشد، باید به بحث آسیب‌های اجتماعی نیز بپردازد و ضمن آن بتواند مسائل فرهنگی و آموزشی و اطلاع‌رسانی را در اولویت‌های خود قرار دهد. مباحث اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی، اعتیاد، ایدز، طلاق و... مسائلی است که هرگز اولویت اول برای رسانه‌ی ملی نبوده و بیشتر از آن، برای پیشبرد مقاصد سیاسی استفاده شده است. گاهی که احساس نیاز می‌کنند شهرداری، دولت، مجلس و... باید مورد نقد قرار گیرند، با پررنگ کردن بحث آسیب‌های اجتماعی این کار را پیش می‌برند و گاهی در هنگام انتخابات این موضوعات اولویت این سازمان می‌شود. دو لایحه‌ی بسیار مهم مجلس دهم مورد توجه رسانه‌ی ملی قرار نگرفته: یکی بحث اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی و دیگری لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان. تصویب این دو لایحه‌ی بسیار مهم در بحث کودکان و کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار راهگشا و شایان دقت است اما هرگز ندیدیم که این رسانه در خصوص این دو لایحه‌ی مصوب مجلس دهم، مانور دهد و آن را جزء دستاوردها به شمار آورد یا حتی میزگردهایی برای نقد این لوایح برگزار کند. به‌ندرت می‌بینم که از تمامی نقطه‌نظرات نخبگان فرهنگی و اجتماعی و افراد آکادمیک و صاحب‌نظر جامعه در این رسانه استفاده شود. یک مثال عینی، بحث پیشگیری از ابتلا به ایدز است که اکنون متأسفانه تبدیل به یک راز مگو شده است. همین تابو و نگفتن‌ها باعث شده طی یک دهه اخیر ایدز رشد قابل توجهی در کشور داشته باشد. این مسئله به‌وضوح نشان‌دهنده‌ی فقدان آموزش در خصوص روابط پرخطر در صداوسیماست، درحالی‌که باید درباره‌ی آن صحبت کرد و آموزش داد. می‌گویند این آموزش‌ها به نهاد خانواده و نهاد فرهنگی جامعه آسیب می‌زند. درحالی‌که این موضوع، صرفاً یک بحث آموزشی و پیشگیری علمی است که اگر بخواهیم در این جهت قدمی برداریم، جایی بهتر از صداوسیما یافت نمی‌شود. در موضوع اعتیاد، کارتن‌خوابی و مسائلی از این دست که جامعه را متأثر می‌کند نیز چندان صحبت نمی‌شود. در صورتی‌که اگر در همین صداوسیما آموزش‌های لازم داده نشود، در آینده با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شویم. می‌توان بین همین سربال‌هایی که به هر حال بخشی از جامعه آن‌ها را نگاه می‌کنند، درباره‌ی این موضوعات چند ثانیه تیزر پخش کرد و آموزش‌های لازم به مردم را داد. سربال‌های ما می‌توانند نیاز به یادگیری و آگاهی‌دهی در جامعه را پوشش دهند. این

آگاهی و آموزش را می‌توان به شکل غیرمستقیم انجام داد ولی در کشور ما، یک عده برای همه مردم سخنرانی می‌کنند و هیچ‌کس هم حرف‌های آن‌ها را نمی‌شنود. حال آنکه در سریال و فیلم به صورت بهتری می‌توان این موضوعات را بیان کرد. با تولید سریال درباره‌ی موضوعاتی در این رابطه می‌توان دیگران را با سبک زندگی مردم دیگر آشنا کرد. همین الان هم هستند مسئولان و افرادی که وقتی با آن‌ها درباره‌ی حاشیه‌نشینان شهر تهران صحبت می‌کنیم، عمق فاجعه را باور نمی‌کنند؛ درحالی‌که تازه این‌ها در حاشیه‌ی پایتخت هستند و اوضاع در شهرستان‌ها وخیم‌تر است.

سپاوشی گفته: یک نکته‌ی مهم دیگر، عدم استفاده از آرشیوهای بسیار غنی صداوسیما در قبل و بعد از انقلاب است. متأسفانه حتی گاهی اوقات به جای اینکه شاهد استفاده از این آرشیو در رسانه‌ی ملی و در برنامه‌های متعدد باشیم، همین آرشیو سر از رسانه‌های خارجی درمی‌آورد. به‌عنوان مثال یک شبکه در آن طرف آب‌ها هدف‌گذاری می‌کند که با ابزار سرگرمی و با استفاده از آرشیوی که از هر راهی به دست آورده، افکار مردم را به سمت یک نظام دیگر برگرداند که به‌نوعی ما علیه آن انقلاب کردیم. این در حالی است که متأسفانه در داخل کشور، اصلاً به این صورت به موضوعات پرداخته نمی‌شود. در نهایت می‌توان گفت رسانه‌ی ملی، هیچ‌کدام از طبقات حاشیه‌نشین، متوسط و حتی مرفه را راضی نمی‌کند. به‌عنوان مثال شخصاً به حوزه‌ی مستند علاقه‌مندم و شبکه‌ی مستند را دنبال می‌کنم ولی برنامه‌های این شبکه هم، الزاماً به‌گونه‌ای نیستند که توجهات لازم را جلب کنند و مورد توجه من باشند. به همین دلیل فکر می‌کنم، باید‌ها و نباید‌ها و دستوراتی هستند که دست و پای افراد را برای تولید برنامه می‌بندد چراکه اتفاقاً در رسانه‌های کم‌مخاطب‌تر به مراتب شاهد ساخت و تولید کیفی‌تر مستندها هستیم. به هر حال، صداوسیما نتوانسته صدای حاشیه‌نشین‌ها باشد و حتی نتوانسته در راستای اهدافی که نظام دنبال می‌کند، حرکت کند و به آن‌ها جامه‌ی عمل بپوشاند. هم‌اکنون، دائم در حال شنیدن اعتراض مردم هستیم. می‌توان این اعتراضات را در تلویزیون پوشش داد ولی متأسفانه این کار را نمی‌کنند. شاید تا چند سال پیش، صداوسیما همچنان بر طبقه‌ی فرودست جامعه می‌توانست اثرگذار باشد اما وقتی مردم دیدند که از آن‌ها استفاده‌ی ابزاری می‌شود و در مواقع لازم صدای اعتراض آن‌ها را کسی نمی‌شنود، آنان هم به‌تدریج در حال بریدن از این رسانه هستند. متأسفانه سال‌هاست که مشکلات اقتصادی در جامعه وجود دارد و هر بار با مسائل مختلفی همچون تحریم و افزایش قیمت بنزین تشدید شده و مصائب طبقات پایین‌تر را بیشتر کرده است. لذا این بحث که در فقر هنوز می‌توان شاد زیست، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند اخلاقی و برای جامعه باورپذیر باشد. مردم فقیر و فرودست، دیگر این نمایش‌ها را باور نمی‌کنند چون چیزی که در صحنه‌ی جامعه می‌بینند، با آن چیزی که صداوسیما در این خصوص نشان می‌دهد، متفاوت و متضاد است. امام علی(ع) می‌فرماید آمدن فقر، باعث رفتن ایمان می‌شود. بنا به قول امام صادق (ع)، حرف‌هایی که از زبان بزرگان نقل می‌شود، اگر با عقل سازگار است، قابل پذیرش است. این حدیث امام علی(ع) نیز حرفی عقلانی است چون می‌گوید کسی که معیشت ندارد، چطور می‌تواند به معادش فکر کند؟ بنابراین فکر می‌کنم این افراط‌گری در بازتولید چهره‌ی زیبا از فقر در صداوسیما، به نیت پوشاندن چهره‌ی تعدادی از افرادی است که به‌شدت در این کشور متمدن شدند و هستند. بعضاً در سریال‌ها می‌بینیم، طبقه‌ای که فقیرتر بوده را طوری نشان می‌دهند که مشکلی نداشته و خوشبخت است. ولی طبقه‌ای که ثروتمند بوده با هزار مشکل و بدبختی دست و پنجه نرم می‌کند و در عین حال آدم‌های زالوصفتی هستند. این دوگانگی که در مباحث صداوسیما مطرح می‌شود، به‌نوعی به فرهنگ جامعه آسیب وارد می‌کند. اینکه نشان دهیم طبقه‌ی ثروتمند هزار و یک مشکل دارد ولی طبقه‌ی فقیر مشکلی ندارد، در تعارض با سخن امام علی(ع) است. متأسفانه سریال‌های ما پشتوانه‌ی تحقیقات علمی، میدانی و فکری پشتشان نیست که بخواهند آموزش و آگاهی درستی را القا کنند. بنابراین قاعدتاً با گفتن اینکه فقر چیز خوبی است، شما نمی‌توانید برنده‌ی میدان باشید. اگر خود صداوسیما، به صورت میدانی و غیرگزینشی بین مردم برود و با آن‌ها مصاحبه کند، این بازخوردهای منفی علیه‌اش به وجود نمی‌آید.

این نماینده مجلس می‌گوید:

به زعم برخی از کسانی که آمار و ارقام می‌دهند، یک چهارم جمعیت ما حاشیه‌نشین هستند. البته یکی از مقام‌های عالی‌رتبه‌ی نظام در جلسه‌ی گفتند که ما در کشورمان ۱۴ میلیون حاشیه‌نشین داریم. اکنون نیز ۳۲ دستگاه هستند که بودجه‌ی به آن‌ها اختصاص پیدا می‌کند که بیابند و در بحث‌هایی از حاشیه‌نشینی گرفته تا بحث کودکان کار، اعتیاد و طلاق و حوزه آسیب‌های اجتماعی کار کنند. طرح مهاجرت معکوس نیز از جمله‌ی این موارد به شمار می‌آید که البته هیچ‌گاه موفقیت پیدا نکرد. در واقع این ۱۴ میلیون یا به زعم برخی، یک چهارم جمعیت یا هر جمعیتی که هستند، علی‌رغم اینکه بودجه‌ای به آن‌ها اختصاص پیدا می‌کند، ولی ما در آنها شاهد تغییرات مثبت نیستیم. یکی از مسائل و مشکلاتی که در واقع در تهران شاهد هستیم، این بوده که متأسفانه این حاشیه‌نشین‌ها به شدت نسبت به یکسری مسائل ابراز نارضایتی می‌کنند و فکر می‌کنند که نادیده گرفته شدند و هر بار که هر نماینده‌ای به آن‌ها سر می‌زند، با تعجب می‌گویند که چه عجب شما به یاد ما بودید. آن‌ها در واقع به‌نوعی با دیدن وضعیت موجود می‌پرسند آیا دیده می‌شوند؟ زندگی‌شان ارزش دارد؟ جایی هست که به آن‌ها توجه کند؟ متأسفانه این موضوعات کمتر در جامعه ما دیده می‌شود. دوربین صداوسیما نه‌فقط در ۲۲ بهمن بلکه در زمان‌های دیگر باید به این مناطق و به دور از اغراض سیاسی ورود پیدا کند و از این‌ها در مورد زندگی‌شان سؤال بپرسد و مستند تهیه کند. گاهی اوقات دیده شده این افراد با رسانه‌ای شدن، مورد توجه قرار گرفته و تغییری در وضعیت‌شان صورت می‌گیرد ولی متأسفانه به خصوص در این شرایطی که اکنون در آن قرار گرفتیم، کاری برای این افراد انجام نمی‌شود. بیشتر افرادی که در اتفاقات اخیر درگیر شدند، حاشیه‌نشین و از طبقات فرودست بودند. آن‌ها واقعاً حس می‌کنند که نادیده گرفته شده‌اند و متأسفانه حس‌شان درست هم هست. هرچند عده‌ای از این وضعیت سوءاستفاده کردند و چهره‌ی خیلی خشنی به این اعتراضات دادند. من وقتی به یک شهرستان حوزه انتخابیه‌ام می‌روم، تبدیل شدن ظاهری یک روستا به یک شهر را می‌بینم که خودش هم، در اطرافش حاشیه‌نشین فراوان دارد. بعد دائم امکانات و خدمات می‌خواهند که واقعاً به‌سختی انجام می‌شود. لذا این افراد باید در سیاست‌گذاری‌ها خیلی بیشتر مورد توجه قرار گیرند. گر ما بیشتر از این به این افراد توجه نکنیم و رویکرد اجتماعی و اقتصادی کشور را تغییر ندهیم، به هر حال متأسفانه ممکن است این حاشیه‌نشین‌ها تأثیرات عجیب و غریبی را در در جامعه‌ی ما بگذارند چراکه انکار آنان، خصوصاً با برنامه‌های اخیر در صداوسیما، در حال تشدید است.

برچسب‌ها: [مجلس](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[صدا و سیما](#) [3]